



دانشگاه گیلان

نشریه کارآفرینی در کشاورزی

جلد دوم، شماره دوم، تابستان 1394

<http://jead.gau.ac.ir>

نگرش دانشجویان کشاورزی دانشگاه شیراز نسبت به ایجاد دانشکده کارآفرین

نوذر منفرد¹، * کورش رضایی مقدم² و زینب آبخیز³

¹دانشیار مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان بوشهر، سازمان تحقیقات، ترویج و آموزش کشاورزی،
²دانشیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز،³دانش آموخته کارشناسی ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه شیراز
تاریخ دریافت: 1394/6/1؛ تاریخ پذیرش: 1394/8/2

چکیده

رسالت دانشگاه در گذشته آموزش و پژوهش بود امروزه رسالت سومی بر عهده دانشگاه‌ها نهاده شده و آن کارآفرینی دانشگاهی است. دانشگاه کارآفرین را می‌توان به‌عنوان نظام توانمندسازی افراد تلقی کرد که خلاقیت و نوآوری آن‌ها را به‌طور برنامه‌ریزی شده به‌کار می‌گیرد. با توجه به اهمیت ایجاد دانشکده‌های کارآفرین، این مطالعه با هدف بررسی نگرش دانشجویان نسبت به دانشکده کارآفرین و نیز شناسایی موانع ایجاد دانشکده کارآفرین انجام شده است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان سال دوم و چهارم رشته‌های ترویج و آموزش کشاورزی و علوم باغبانی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد 96 نفر به‌عنوان نمونه تعیین شد. ابزار اجرای پژوهش پرسشنامه بوده که روایی آن توسط اساتید متخصص و پایایی آن به وسیله آزمون راه‌نما تأیید شد (دامنه آلفای کرونباخ 0/70-0/92). داده‌های به‌دست آمده توسط نرم‌افزار SPSS نسخه 19 تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد میانگین نگرش دانشجویان رشته باغبانی نسبت به ایجاد دانشکده کارآفرین به‌طور معنی‌داری بیشتر از میانگین نگرش دانشجویان رشته ترویج و آموزش کشاورزی می‌باشد. میانگین نگرش دانشجویانی که دو دوره و بیشتر در کارگاه‌های کارآفرینی شرکت کرده‌اند، به‌طور معنی‌داری بیشتر از کسانی است که یا شرکت نکرده و یا فقط یک

*مسئول مکاتبه: rezaei@shirazu.ac.ir

دوره شرکت داشته‌اند. نمره موانع مدیریتی و سازمانی دانشجویان باغبانی به‌طور معنی‌داری بیشتر از دانشجویان ترویج و آموزش است. نتایج نشان می‌دهد که در زمینه محتوای دروس ضعف‌هایی وجود دارد. به عقیده دانشجویان محتوای دروس با نیاز جامعه مطابقت ندارد.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، دانشکده کارآفرین، موانع کارآفرینی، کارآفرینی دانشگاهی

مقدمه

در هزاره سوم که لازمه رشد اقتصادی در آن توسعه مراکز تولید دانش، فناوری و مهارت‌های فنی است، از کارآفرینی می‌توان به‌عنوان یکی از مهمترین موتورهای رشد و توسعه یاد کرد. بارزترین چیزی که می‌تواند ما را به این مقصود برساند دانشگاه‌ها و مراکز کارآفرینی است (اسکویتز و همکاران، 2000). کلارک به‌عنوان یکی از صاحب‌نظران مهم و از اولین کسانی که دانشگاه کارآفرین را در اروپا مطرح کرده، اعتقاد دارد که در هزاره جدید دانشگاه‌های پویا دانشگاه‌هایی هستند که کارآفرین باشند و بتوانند ارزش‌های تخصصی و مدیریتی را تلفیق کنند. دانشگاه کارآفرین اصولاً به مفهوم داشتن کنش کارآفرینانه در راهبردها، ساختارها و عملکردهای دانشگاه می‌باشد که انگیزه خلاقیت در آن توسعه یافته و نوآوری‌ها و ایده‌های جدید در آن خلق می‌شوند (احمدی، 1390). این مراکز از افراد کارآفرین حمایت می‌کند. این حمایت شامل حمایت‌های آموزشی، مالی و بازاریابی است. در چنین دانشگاه‌هایی برای سرمایه‌گذاران امکاناتی فراهم می‌شود تا مراکز جدید کسب و کار را فراهم آورند (صفرزاده و همکاران، 1388).

با عنایت به این که بیکاری دانش‌آموختگان یکی از معضلات دیرینه و کنونی کشورهای گوناگون به ویژه جوامع در حال توسعه و توسعه نیافته است (اولادیان و همکاران، 1389)؛ بحران بیکاری در جوامع در حال توسعه ریشه دوانیده و دولت‌ها قادر به برطرف کردن نیازهای تکنولوژیکی جوامع خود نیستند، چرا که بیشتر خروجی‌های دانشگاه‌ها با نیازهای بازار کار هماهنگی و همخوانی ندارد. این مسأله به دلایل متعددی از جمله عدم تطابق برنامه‌ریزی آموزشی و برنامه درسی آموزش عالی با تحولات و تقاضای دنیای کار و عدم پیش‌بینی‌های مناسب برای نیروی انسانی موردنیاز آینده است و این در حالی است که یکی از مقاصد نظام آموزش عالی آماده نمودن دانشجویان برای ایفای نقش مؤثر در زندگی کاری است؛ از این‌رو دانشجویان پس از دانش‌آموختگی میان مشاغل دولتی و خصوصی در

جستجوی کار هستند و کمتر به کارآفرینی تمایل دارند (کوثری و نوروززاده، 1388). سیاست‌گذاران در اروپا و ایالات متحده معتقدند که کارآفرینی بیشتری برای رسیدن به سطوح بالاتر رشد اقتصادی نیاز است. آن‌ها همچنین معتقدند که می‌توان به سطوح بالاتری از کارآفرینی از طریق آموزش به‌خصوص آموزش کارآفرینی دست یافت (اوستریک و همکاران، 2009).

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مهمترین عامل مؤثر در حرکت کارآفرینی و از قوه به فعل درآوردن آن، بروز روحیه کارآفرینی در افراد از طریق آموزش می‌باشد (متشلو و همکاران، 1392 به نقل از احمدپورداریانی، 1387). روحیه کارآفرینی فرایند بهره‌گیری از فرصت‌ها و ایجاد کسب و کار به نحوی که محصول تلاش زیاد، پذیرش ریسک‌های مالی، اجتماعی، روانی و نوآوری است و با انگیزه کسب سود (مالی، استقلال) یا به‌خاطر اضطراب شروع می‌شود. برخورداری جوامع از روحیه کارآفرینی، اصل و اساس پیشرفت اقتصادی کشورها به حساب می‌آید. در حقیقت علم و دنیای مدیریت با مفهوم روحیه کارآفرینی هویت می‌یابد (قاسمی و اسدی، 1389). راشید (2000) نیز بیان نموده که آموزش بر بهبود نگرش کارآفرینی تأثیر دارد (نوروززاده و رضایی، 1389). تقویت روحیه کارآفرینی و آموزش مهارت‌های کارآفرینانه یکی از کارکردهای نوین دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برای حرکت در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه می‌باشد. داشتن روحیه کارآفرینی به فرایند ایجاد ارزش از طریق فراهم آوردن ترکیب منحصر به فردی از منابع برای بهره‌گیری از یک فرصت اشاره دارد. فرایند کارآفرینی دارای اجزای نگرشی و رفتاری است. از نظر نگرشی فرایند کارآفرینانه به تمایل یک فرد یا سازمان برای بهره‌گیری و استفاده از فرصت‌های جدید و ایجاد تغییر خلاقانه اشاره دارد. تمایل فرد نیز در نهایت منجر به بروز رفتار می‌شود (رسایی، 1392). لذا در راستای تربیت کارآفرینان، ایجاد دانشکده‌های کارآفرین گزیدار مناسبی است. توجه به فرآیند کارآفرینی در دانشگاه‌ها تا بدان جا است که سازمان علمی آموزش ملل متحد در چشم‌انداز آموزش عالی برای قرن بیست و یکم، دانشگاه‌های نوین را این‌گونه تعریف نموده است: جایگاهی که در آن مهارت‌های کارآفرینی به‌منظور تسهیل قابلیت‌های دانش‌آموختگان و برای تبدیل شدن به ایجادکنندگان کار، توسعه می‌یابد (احمدی و شرفی، 1388). مدلی که بتوان با آن همه دانشکده‌ها را به سمت کارآفرینی هدایت کرد وجود ندارد و بسته به شرایط، هر دانشکده باید برنامه‌ای خاص داشته باشد. موانع زیادی در راه تبدیل دانشگاه‌ها به دانشگاه کارآفرین وجود دارد که با شناسایی و رفع آن‌ها می‌توان این فرآیند را سرعت بخشید.

آنچه مسلم است، آماده‌سازی در خصوص کارآفرینی نباید بعد از فارغ‌التحصیلی باشد، بلکه برای تحقق این امر لازم است طی فرایندی و در حین تحصیل مقدمات لازم فراهم و موانع و محدودیت‌ها برطرف شود. یکی از مهمترین این مقدمات تحت تأثیر قرار دادن نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان است. ایجاد نگرش کارآفرینانه در دانشجویان شرط لازم برای بروز رفتار کارآفرینانه از سوی آنان است. این نگرش‌ها متأثر از دو دسته عوامل درون دانشگاهی و عوامل برون دانشگاهی‌اند؛ عوامل برون دانشگاهی مشتمل بر حیطه بسیار گسترده‌ای از عوامل مختلف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و غیره است و معمولاً نگرش دانشجویان را به‌طور غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. عوامل درون دانشگاهی شامل عواملی در درون نظام دانشگاهی است که می‌تواند نگرش دانشجویان را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار دهد و شناسایی و برنامه‌ریزی برای تقویت آن‌ها بروز رفتار کارآفرینانه از سوی دانشجویان را محتملتر می‌سازد (مقیمی، 1388).

با توجه به اهمیت ایجاد دانشکده‌های کارآفرین و تأثیر نگرش کارآفرینی بر روحیه کارآفرینی (رسایی، 1392 به نقل از میلر و تولوس، 1986) و در نهایت کمک به ایجاد دانشکده کارآفرین، این مطالعه با هدف بررسی نگرش دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز نسبت به دانشکده کارآفرین انجام شده و اهداف زیر را نیز دنبال می‌کند:

- بررسی رابطه متغیرهای مستقل و نگرش نسبت به دانشکده کارآفرین
 - بررسی عوامل مرتبط با کارآفرینی کشاورزی
 - بررسی رابطه تمایل به کارآفرینی و نگرش نسبت به دانشکده کارآفرین
 - بررسی موانع ایجاد دانشکده کارآفرین
 - بررسی رابطه بین موانع کارآفرینی و نگرش دانشجویان نسبت به دانشکده کارآفرین
- مرور ادبیات موضوع:** به‌طور کلی کار آفرینی دانشگاهی شامل کلیه رفتارهای کارآفرینانه دانشگاهیان مانند ایجاد شرکت‌های جدید در دانشگاه، ایجاد مراکزی برای پژوهش‌های مشترک با صنعت، تمهیداتی برای حفظ دارایی‌های فکری و واگذاری حق امتیاز نتایج پژوهش‌های انجام شده در دانشگاه می‌باشد (روسیللم و همکاران، 2007). با توجه به متداخل بودن ابعاد ارابه شده توسط محققان مختلف، در یک دسته‌بندی بهتر، می‌توان گفت آنچه دانشگاه کارآفرین را از سایر الگوهای سنتی دانشگاهی متمایز می‌کند، ابعادی مانند ساختار، فرهنگ و مدیریت رایج سازمان است. این عوامل به‌طور منفرد و نیز به‌طور ترکیبی، پیش شرط‌ها و مقدمه‌های مهمی برای ارتقای دانشگاه به سازمان

کارآفرین به‌شمار می‌روند، زیرا محیط داخلی سازمانی را متأثر می‌سازند، محیطی که تمایل به اقدامات کارآفرینانه و حمایت از آن‌ها را در یک سازمان تعیین می‌کند (شائمی و دیگران، 1387). فرهنگ سازمان کارآفرین، فرهنگی است انعطاف‌پذیر که از کارآفرینی، تغییر و نوآوری، خطرپذیری، یادگیری سازمانی، آینده‌نگری، کار گروهی، صداقت و اعتماد متقابل، کار مفرح توأم با هیجان و شوق، رقابتی بودن و مشتری‌گرایی حمایت می‌کند (قهرمانی و همکاران، 1390).

به تدریج کارآفرینی جایگاه و مشروعیت خود را نزد مقامات دانشگاهی و سیاسی به‌دست آورده است. دلایل این تغییر را می‌توان در سه عامل ذیل یافت:

1- افزایش فشار اجتماعی به دانشگاه‌ها برای توسعه مأموریت‌های سنتی خود و پذیرش مشارکت بیشتر در توسعه اقتصادی منطقه. این موضوع سبب شد دانشگاه‌ها مأموریت سومی به نام دانشگاه‌های کارآفرین تعریف کنند.

2- افزایش ارتباط درونی دانش و تکنولوژی در بسیاری از رشته‌ها مانند IT و بیوتکنولوژی که همکاری بیشتری بین صنعت و دانشگاه‌ها را ایجاب می‌کرد.

3- کاهش سهم بودجه دولتی برای تأمین مالی فعالیت‌های سنتی دانشگاه سبب شد دانشگاه‌ها به دنبال روش‌های جایگزین تأمین سرمایه باشند (پوررشیدی و شجاعی فرح‌آبادی، 1391).

کارآفرینی در سطح دانشگاه به‌دلیل پدیده انتقال تکنولوژی دانشگاهی و تکامل دانشگاه‌ها در سیستم نوآوری ملی و توسعه اقتصادی افزایش یافته است. ترتیبات گوناگون سازمانی در دانشگاه‌ها می‌تواند منجر به گرایش‌های گوناگونی نسبت به درگیری در بهره‌برداری تجاری از نتایج پژوهش‌های بنیادی دانشگاه‌ها شود. اگر دانشگاه بوروکراسی حرفه‌ای را که متشکل از ساختارها و مرزهای سنتی سازمانی بخشی و دانشکده‌ای است در ترکیب سازمانی خود اتخاذ کند می‌تواند گرایش‌های تجاری دانشگاه را محدود فرض کرد. مسلماً دانشگاه‌هایی که فعالیت‌های خود را صرفاً بر اساس خطوط انضباطی، سازمان‌دهی می‌کنند مقاصد استراتژیک کمی برای درگیر شدن در تجاری‌سازی نتایج پژوهش‌های خود دارند (دباچر و ویوگلرز، 2005).

عوامل اثر گذار بر کارآفرینی دانشگاهی شامل عوامل نهادی (سیاست‌های نهادی، محیط نهادی و سازمانی، کارآفرینی فردی دانشگاهی و رابطه بین دانشگاه و محیط خارجی)، ساختارها و قوانین مربوط به مدیریت مالکیت فکری (ساختارهای مرتبط با مدیریت مالکیت فکری، در یک دانشگاه شامل دفتر انتقال فناوری، مدیریت دارایی‌های فکری، مباحث مربوط به ایجاد شرکت‌های جدید و نحوه

تقسیم درآمد خالص حاصل از تجاری‌سازی دارایی فکری)، الزامات ساختاری دانشگاه، مهارت، نگرش و انگیزش اساتید و مدیران دانشگاه به کارآفرینی، آموزش‌های کارآفرینی و نگرش دانشجویان به کارآفرینی، مراکز حمایت از start up های دانشگاهی مثل پارک علم و فناوری و انکبوتورها، مراکز رشد و ... فرهنگ کارآفرینانه دانشگاهی (محیط فرهنگی به لحاظ ارزش‌ها و اعتقادات و قانونی بودن فعالیت‌های کارآفرینانه مشوق‌هایی را برای به‌کارگیری فرصت‌ها فراهم می‌نماید) می‌باشد (پوررشیدی و شجاعی فرح‌آبادی، 1391).

رضایی دولت‌آبادی و دیگران (1389) در تحقیقی با عنوان مبانی چالش‌های کارآفرینی در دانشگاه‌های ایران و راهکارهای آن به‌این نتیجه رسیدند که یکی از موانع کارآفرینی در دانشگاه‌های ایران مربوط به حوزه مدیریت از جمله شیوه رهبری نامناسب دانشگاهی است. آنتونی لانو (2005) تأثیرات محیط و جو موجود را در دانشگاه بر رفتارهای کارآفرینانه بررسی کرد. وی نشان داد نگرش مثبت به کارآفرینی دانشگاهی اثر مثبتی بر گرایش به آن در محیط‌های دانشگاهی دارد. ابراهیم‌زاده (1387) در تحقیقی با عنوان ارابه‌الگوی مفهومی برای تبدیل دانشگاه به دانشگاه کارآفرین، نه شاخص از جمله؛ رهبری کارآفرین، ساختار کارآفرینانه و فرهنگ کارآفرینانه را به‌عنوان الگوی مفهومی برای ایجاد دانشگاه کارآفرین معرفی کرده است. ورنون و ورتزل بر این باورند که فرهنگ در توسعه کارآفرینی نقش مهمی دارد، چرا که فرهنگ تعیین‌کننده نگرش‌های افراد در آغاز فعالیت کارآفرینانه است و علاوه بر این، هر زمانه‌ای مدل‌های خاص کارآفرینی مطابق با نیازهای خاص جامعه را ایجاد می‌کند (مقیمی، 1388). نتایج تحقیق امیری و مرادی (1387) نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته یعنی نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان و متغیرهای مستقل یعنی عوامل درون دانشگاهی شامل سبک مدیریت، ویژگی‌های مدرسان، ویژگی نظام اداری - مالی، عملکرد کارکنان، ویژگی‌های دانشجویان و محتوای دروس ارتباط وجود دارد. به‌ترتیب سبک مدیریت، محتوای دروس، نظام اداری - مالی و عملکرد کارکنان بیشترین سهم را در ایجاد موانع نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان به خود اختصاص داده‌اند.

روش‌های تدریس در برنامه‌های آموزش کارآفرینی بستگی به دیدگاه مؤسسه آموزشی در زمینه آموزش کارآفرینی و اهداف طراحی شده برای آن دارد. در مواردی که هدف از کارآفرینی کسب دانش و درک مفاهیم مرتبط به کارآفرینی باشد، آنگاه روش‌های آموزش عملاً شامل سخنرانی و بحث‌های کلاسی خواهد بود و شاید در بهترین شرایط تماس‌هایی هم به‌صورت مستقیم با کارآفرینان برقرار

گردد. در واقع جو کلاسی، ویژگی‌های معلم، مدیریت و رهبری او در کلاس بر روش تدریس معلم اثرگذار است و روش تدریس به نوبه خود میتواند خلاقیت فراگیران را رشد دهد (منوری‌فرد و همکاران، 1391)

در حال حاضر نظام آموزش عالی در کشور دچار مشکلات و معضلات زیادی می‌باشد که این عوامل به نوعی فرآیند کارآفرینی در دانشگاه‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. بخشی از این عوامل عبارتند از:

- ✓ افزایش فاصله علمی کشور با سطح جهانی ناشی از کندی سرعت تحولات علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مقایسه با روند شتابان دنیای علم و فناوری.
- ✓ کارآفرین نبودن فارغ‌التحصیلان، رواج روحیه مدرک‌گرایی در جامعه و افزایش انتظارات دانش‌آموختگان از دولت برای ایجاد اشتغال و استخدام آنان.
- ✓ بیکاری‌های ساختاری توأم با کمبود نیروی متخصص
- ✓ کمبود محقق کارآمد ناشی از ضعف سیستم آموزشی در پرورش روحیه پژوهشگری و خلاقیت در دانش‌آموختگان.
- ✓ کمبود کادر هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از نظر تعداد، ترکیب، مراتب هیئت علمی و روزآمدی.
- ✓ فقدان زیرساخت‌های اطلاع‌رسانی و فناوری‌های نوین در شیوه‌های آموزشی
- ✓ پایین بودن تولید دانش سازمان یافته و جایگاه علمی دانشگاه‌ها در سطح جهانی (محمدزاده سالطه، 1392).

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیف می‌باشد. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان سال دوم و سال چهارم رشته‌های ترویج و آموزش کشاورزی و علوم باغبانی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز (132 نفر) می‌باشد. دلیل انتخاب دانشجویان سال آخر این بود که آنان به دلیل ماندگاری چهارساله در دانشگاه بهتر از سایر دانشجویان می‌توانند در خصوص کیفیت خدمات قضاوت نمایند. دانشجویان سال دوم نیز به این دلیل که به تازگی وارد دروس تخصصی شده و با جو دانشگاه تا حدودی آشنا هستند انتخاب شدند. دلیل انتخاب رشته علوم باغبانی در کنار رشته ترویج و آموزش

کشاورزی نیز این است که در بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز، تمایل دانشجویان به انتخاب گرایش علوم باغبانی بیشتر از سایر گرایش‌هاست (دانشجویان بخش ترویج و آموزش با انتخاب یکی از گرایش‌های کشاورزی 20 واحد تخصصی از آن گرایش را می‌گذرانند). به همین دلیل احساس شد رشته علوم باغبانی توانایی بیشتری در جذب دانشجویان رشته ترویج داشته و برای مقایسه انتخاب شد. به دلیل محدودیت زمانی انتخاب همه رشته‌ها و گرایش‌های کشاورزی امکان پذیر نبود. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد 96 نفر به‌عنوان نمونه تعیین و در هر گروه متناسب با حجم گروه نمونه شد. ابزار اجرای پژوهش پرسشنامه بوده که روایی آن توسط اساتید متخصص و پایایی آن به‌وسیله آزمون راه‌نما تایید شد. به این منظور یک نمونه 30 نفری خارج از نمونه اصلی انتخاب شده و پس از تکمیل پرسشنامه‌ها و تعیین ضریب آلفای کرونباخ (دامنه آلفای کرونباخ 0/92-0/70) اصلاحات لازم در پرسشنامه صورت گرفت. متغیر وابسته پژوهش نگرش دانشجویان نسبت به دانشکده کارآفرین می‌باشد که با 20 گویه در قالب طیف لیکرت (دامنه 100-20) سنجیده شده است. موانع ایجاد دانشکده کارآفرینی نیز در قالب پنج دسته و با گویه‌هایی در قالب طیف لیکرت بررسی شده‌اند. گویه‌های مربوط به هر متغیر از مقالات مختلف استخراج گردیدند (امتیاز هر گویه بین 5-1). برای کمی کردن متغیرها از جمع ردیفی گویه‌ها در نرم‌افزار SPSS استفاده شد. برخی متغیرهای مستقل عبارتند از رشته تحصیلی، سال ورود به دانشگاه، روحیه کارآفرینی، جنسیت، شرکت در دوره‌های کارآفرینی و شغل پدر داده‌های به‌دست آمده توسط نرم‌افزار SPSS نسخه 19 تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها و بحث

توصیف ویژگی‌های فردی: بر طبق یافته‌ها 55 درصد افراد مورد مطالعه دانشجوی رشته باغبانی و 45 درصد در رشته ترویج و آموزش کشاورزی مشغول تحصیل هستند. 39 درصد افراد سال دوم کارشناسی و 61 درصد سال چهارم کارشناسی می‌باشند. طبق یافته‌ها در رابطه با وضعیت درس کارآفرینی و شرکت در دوره‌های کارآفرینی فقط 17 درصد افراد درس کارآفرینی را گذرانده و 67 درصد افراد نمونه در هیچ کارگاه کارآفرینی شرکت نکرده‌اند.

عوامل مرتبط با کارآفرینی کشاورزی: عوامل مؤثر بر فرآیند کارآفرینی در فعالیت‌های کشاورزی در پنج دسته عوامل اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی، فنی و اجرایی و تعدیلگر دسته‌بندی شدند. هر عامل با

تعدادی گویه در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت. عوامل اجتماعی مثل عقاید جامعه نسبت به آموزش کارآفرینی، سطح تحصیلات خانواده، جایگاه اجتماعی هر خانوار و ... که با پنج گویه (میانگین 15) سنجیده شد. همان گونه که جدول 1 نشان می‌دهد امتیاز این متغیر کمی از میانگین بیشتر است. عوامل اقتصادی شامل تخصیص بودجه برای دعوت از آموزش‌گران، فراهم کردن کمک‌های مالی برای تحقیقات کارآفرینی و ... می‌باشد که با پنج گویه مورد سنجش قرار گرفت. امتیاز این متغیر نیز از میانگین بیشتر است (17 در مقابل 15). عوامل مدیریتی از جمله مشارکت مدیران مراکز آموزشی در برنامه‌های آموزشی، نگرش مدیران در رابطه با آموزش کارآفرینی و ... که در قالب سه گویه با میانگین 9 سنجیده شد. امتیاز به‌دست آمده به میانگین نزدیک است و از دید دانشجویان تأثیر عامل مدیریتی در حد متوسط بوده و خیلی قوی نیست. عوامل فنی و اجرایی شامل دسترسی به سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای آموزشی، سهولت دسترسی به تجهیزات موردنیاز و ... در قالب سه گویه سنجیده شد که میانگین 10/4 از میانگین بیشتر است. عوامل تعدیلگر مثل معافیت مالیاتی برای شرکت‌های کارآفرینی تأسیس شده توسط دانش‌آموختگان کارآفرین، تحریک و تشویق دانش‌آموختگان کارآفرین توسط دولت می‌باشد. این عامل به کمک چهار گویه (میانگین 12) سنجیده شد که امتیاز به‌دست آمده نزدیک به 14 می‌باشد. جدول 1 میانگین این عوامل را از دید دانشجویان نشان می‌دهد.

جدول 1- میانگین عوامل مؤثر بر فرآیند کارآفرینی در فعالیت‌های کشاورزی.

| متغیر | میانگین | انحراف معیار | مینیمم | مکسیمم |
|---------------------------------|---------|--------------|--------|--------|
| عوامل اجتماعی (دامنه 5-25) | 16/45 | 4/06 | 5 | 25 |
| عوامل اقتصادی (دامنه 5-25) | 17/06 | 4/55 | 5 | 25 |
| عوامل مدیریتی (دامنه 3-15) | 9/90 | 3/23 | 3 | 15 |
| عوامل فنی و اجرایی (دامنه 3-15) | 10/42 | 2/82 | 4 | 15 |
| عوامل تعدیلگر (دامنه 4-20) | 13/90 | 3/94 | 5 | 20 |

تمایل به کارآفرینی و نگرش نسبت به دانشکده کارآفرین: تمایل به کارآفرینی میزان تمایل دانشجویان به فعالیت‌های کارآفرینی را سنجیده است. در واقع این متغیر نشان می‌دهد که دانشجویان تمایل به مشاغل دولتی دارند یا فعالیت‌های کارآفرینی. میانگین این متغیر در جدول 2 آورده شده است. این متغیر با سه گویه کلیدی که نشان‌دهنده تمایل افراد به کارآفرینی یا مشاغل دولتی می‌باشد،

سنجیده شد و سپس به صورت کمی تبدیل شد. نگرش دانشجویان نسبت به دانشکده کارآفرین نیز با بیست گویه در قالب طیف لیکرت (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) سنجیده شد. برخی از گویه‌ها عبارتند از: گروهی کار کردن در محیط دانشکده باید نهادینه شود؛ دانشجویان در طول تحصیل باید با انجام پروژه‌های شغلی و کارآفرینی آشنا شوند؛ وظیفه دانشکده فقط تولید دانش است و تربیت نیروی متناسب با نیاز بازار ربطی به مسئولیت دانشکده ندارد؛ دروسی که در دانشکده کشاورزی تدریس می‌شود همگی باید با رویکرد کارآفرینانه باشد؛ به نظر من وجود پارک علم و فناوری در دانشکده الزامی می‌باشد؛ دانشکده باید به دانشجویان بیاموزد که چگونه فرصت‌های بازار را شناسایی کنند؛ خلاقیت دانشجویان باید در محیط دانشکده بیدار شود. همانطور که مشاهده می‌شود تمایل دانشجویان از میانگین بیشتر می‌باشد که این امر اهمیت کمک به آنان در زمینه تبدیل ویژگی‌های کارآفرینی بالقوه به ویژگی‌های بالفعل را نشان می‌دهد.

جدول 2- میانگین تمایل دانشجویان به انجام فعالیت‌های کارآفرینی.

| متغیر | میانگین | انحراف معیار | مینیم | ماکسیم |
|--|---------|--------------|-------|--------|
| تمایل به کارآفرینی (دامنه 3-15) | 11/08 | 2/32 | 3 | 15 |
| نگرش نسبت به دانشکده کارآفرین (دامنه 20-100) | 79/24 | 11/88 | 49 | 100 |

متغیر وابسته این پژوهش نگرش دانشجویان نسبت به ایجاد دانشکده کارآفرین می‌باشد. همانگونه که از جدول 2 مشخص است نگرش دانشجویان از میانگین بیشتر است. نگرش مثبت دانشجویان نسبت به دانشکده کارآفرین می‌تواند به ایجاد این دانشکده‌ها کمک کند. نگرش می‌تواند با تأثیر بر تمایل دانشجویان به کارآفرینی، کارآفرینان موردنیاز برای گسترش دانشکده‌های کارآفرین را تأمین کند.

مقایسه میانگین نگرش نسبت به دانشکده کارآفرین با توجه به متغیرهای مستقل: جدول 3 مقایسه میانگین نگرش نسبت به دانشکده کارآفرین بر اساس سال ورود به دانشکده، رشته تحصیلی و عضویت در تعاونی‌های دانشجویی را نشان می‌دهد. میانگین نگرش دانشجویان سال دوم و چهارم نسبت به دانشکده کارآفرین تفاوت معنی‌داری ندارد. می‌توان گفت سال‌های تحصیل بر نگرش دانشجویان تأثیری نداشته است و این امر لزوم بازنگری در آموزش‌های دانشگاهی را نشان می‌دهد.

میانگین نگرش دانشجویان رشته باغبانی به طور معنی داری بیشتر از میانگین نگرش دانشجویان رشته ترویج و آموزش کشاورزی می باشد. این می تواند به این دلیل باشد که دانشجویان رشته باغبانی بیشتر مشغول فعالیت در محیط های کشاورزی از جمله گلخانه و باغ بوده و بیشتر در تماس با کارآفرینان کشاورزی هستند اما دانشجویان رشته ترویج و آموزش کشاورزی بیشتر در حوزه علوم اجتماعی فعالیت می کنند و کمتر درگیر فعالیت های عملی کشاورزی می شوند. میانگین نگرش دانشجویان عضو تعاونی های دانشجویی به طور معنی داری بیشتر از میانگین نگرش دانشجویانی است که عضو این تعاونی ها نیستند. می توان گفت تعاونی های دانشجویی در بهبود نگرش های کارآفرینانه دانشجویان نقش داشته اند. این تعاونی ها چون به کمک دانشجویان راه اندازی و مدیریت می شوند می توانند انگیزه و تمایل دانشجویان به راه اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه را بهبود دهند و آن ها را به فعالیت در زمینه کارآفرینی ترغیب کنند.

جدول 3- مقایسه میانگین نگرش نسبت به دانشکده کارآفرین با توجه به برخی متغیرها.

| متغیر | فراوانی | میانگین نگرش نسبت به دانشکده کارآفرین | آماره t | سطح معنی داری |
|------------------------------|---------|---------------------------------------|---------|---------------|
| سال ورود | | | | |
| 90 | 37 | 79/10 | -0/08 | 0/9 |
| 88 | 59 | 79/32 | | |
| رشته تحصیلی | | | | |
| باغبانی | 53 | 81/35 | 1/97 | *0/05 |
| ترویج و آموزش | 43 | 76/63 | | |
| عضویت در تعاونی های دانشجویی | | | | |
| بلی | | 87 | 2/08 | *0/04 |
| خیر | | 78/32 | | |

همان طور که جدول 4 نشان می دهد میانگین نگرش دانشجویانی که دو دوره و بیشتر در کارگاه های کارآفرینی شرکت کرده اند، به طور معنی داری بیشتر از کسانی است که یا شرکت نکرده و یا فقط یک دوره در این کارگاه ها شرکت داشته اند. آموزش های کارآفرینی بر نگرش دانشجویان تأثیر دارد. مجیدی و همکاران (1391) و محمدزاده سالطه (1392) نیز بیان می کنند از طریق ارائه دوره های

آموزشی در زمینه کارآفرینی می‌توان بر نگرش کارآفرینانه افراد تأثیر گذاشته و مقاصد رفتاری خاص را در جهت کارآفرینی در آن‌ها ایجاد نمود.

جدول 4- مقایسه میانگین نگرش نسبت به دانشکده کارآفرین با توجه به تعداد دفعات شرکت در کارگاه کارآفرینی.

| سطح معنی‌داری | F | میانگین متغیر وابسته بر اساس تعداد دفعات | | | متغیر وابسته |
|------------------|------|--|--------------------|--------------------|--|
| | | هیچ | یک دوره | دو دوره و بیشتر | |
| 0/01* | 4/50 | 78/03 ^b | 75/09 ^b | 87/13 ^a | نگرش نسبت به دانشکده کارآفرین (دامنه 20-100) |

موانع ایجاد دانشکده کارآفرین: موانعی که بر سر راه ایجاد دانشکده کارآفرین می‌تواند وجود داشته باشد در پنج دسته عوامل مربوط به محتوای دروس، شیوه ارائه دروس، ویژگی دانشجویان، عوامل مدیریتی و سازمانی، منابع مالی و امکانات طبقه‌بندی شدند و برای هر طبقه تعدادی گویه تعریف شده است. در واقع این متغیر میزان این موانع در دانشکده را توسط دانشجویان مورد سنجش قرار داده است. همان‌طور که از جدول 5 مشاهده می‌شود امتیاز موانع موجود در هر پنج طبقه از میانگین بیشتر می‌باشد و دانشجویان معتقدند موانع زیادی در راه تبدیل دانشکده به کارآفرین وجود دارد. محتوای دروس با میانگین به‌دست آمده 24 نشان می‌دهد که محتوای دروس تا حدودی مانع کارآفرینی است و انگیزه و توان لازم برای کارآفرینی را به‌وجود نمی‌آورد. شیوه ارائه دروس نیز امتیازی بیشتر از میانگین عامل را کسب کرده و دانشجویان خواهان شیوه‌های جدید تدریس می‌باشند. از دید پاسخگویان خود دانشجویان نیز یکی از موانع ایجاد دانشکده‌های کارآفرین هستند زیرا شایستگی‌های لازم را کسب نکرده یا استعدادهایشان را شناسایی و تقویت نکرده و نتوانسته‌اند در زمینه کارآفرینی فعال باشند. امتیاز عوامل مدیریتی نیز بیشتر از میانگین است و این یعنی مقررات دست و پا گیر نیز می‌توانند از کارآفرین شدن فرد و دانشکده جلوگیری کنند. امتیاز عامل منابع مالی و امکانات از میانگین خیلی بیشتر است و این اهمیت این عامل را در پرورش کارآفرینی یا برعکس ممانعت در مسیر کارآفرینی می‌رساند. در واقع محدودیت‌های مالی در بسیاری از مواقع جلوی پیشرفت و فعالیت افراد را می‌گیرند.

نشریه کارآفرینی در کشاورزی (2)، شماره (2) تابستان 1394

جدول 5- میانگین موانع ایجاد دانشکده کارآفرین از دید کلیه پاسخگویان.

| متغیر | میانگین | انحراف معیار | مینیمم | ماکسیمم |
|--------------------------------------|---------|--------------|--------|---------|
| محتوای دروس (دامنه 7-35) | 24/20 | 5/97 | 11 | 35 |
| شیوه ارائه دروس (دامنه 4-20) | 14/40 | 3/53 | 6 | 20 |
| ویژگی دانشجویان (دامنه 5-25) | 17/92 | 3/80 | 11 | 25 |
| عوامل مدیریتی و سازمانی (دامنه 6-30) | 20/85 | 4/60 | 8 | 30 |
| منابع مالی و امکانات (دامنه 6-30) | 25/05 | 5/37 | 11 | 35 |

مقایسه میانگین موانع مربوط به روش ارائه دروس، منابع مالی و امکانات و موانعی که به ویژگی‌های دانشجویان اشاره دارد، تفاوت معنی‌داری بین دانشجویان باغبانی و ترویج و آموزش را نشان نمی‌دهد. به عبارت دیگر این سه مانع از دید دانشجویان دو رشته در یک سطح می‌باشند (جدول 6). اما میانگین موانع مربوط به محتوای دروس ارائه شده دانشجویان رشته باغبانی به‌طور معنی‌داری بیشتر از دانشجویان ترویج و آموزش است. به عبارت دیگر از دید دانشجویان باغبانی محتوای دروس کمتر با دانشکده کارآفرین هماهنگ هستند و از دید آن‌ها تغییر بیشتری در محتوای دروس برای تبدیل دانشکده به دانشکده کشاورزی کارآفرین لازم است. نتایج پژوهش امیری و مرادی (1387) نیز نشان داد که در زمینه محتوای دروس ضعف‌هایی وجود دارد و این ضعف نگرش‌های کارآفرینی دانشجویان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مقیمی (1388) نیز ارتباط بین ویژگی‌های نظام اداری - مالی با نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان را تأیید کرده است.

همچنین میانگین موانع مدیریتی و سازمانی دانشجویان باغبانی به‌طور معنی‌داری بیشتر از دانشجویان ترویج و آموزش است. به عبارت دیگر از دید دانشجویان باغبانی عوامل مدیریتی مثل قوانین و مقررات دست و پاگیر، موانع اداری، محافظه کاری دانشکده و ... از موانع اصلی تبدیل دانشکده به دانشکده کارآفرین می‌باشد. محمدزاده سالطه و همکاران (1392) عوامل اجتماعی، محتوی دروس، کمبود زیرساخت‌ها و امکانات و ویژگی‌های دانشجویان را از موانع کارآفرینی دانشگاهی می‌دانند.

جدول 6- مقایسه میانگین موانع کارآفرینی بین دانشجویان رشته‌های ترویج و باغبانی.

| موانع کارآفرینی | میانگین بر اساس رشته تحصیلی | | سطح معنی‌داری |
|-------------------------|-----------------------------|---------|---------------|
| | ترویج و آموزش | باغبانی | |
| محتوای دروس | 22/9 | 25/24 | 0/05* |
| روش ارائه دروس | 13/8 | 14/9 | 0/11 |
| ویژگی‌های دانشجویان | 17/3 | 18/4 | 0/15 |
| عوامل مدیریتی و سازمانی | 19/75 | 21/75 | 0/03* |
| منابع مالی و امکانات | 17/3 | 18/3 | 0/17 |

جدول 7 میانگین نمره موانع ایجاد دانشکده کارآفرینی بین دانشجویان سال دوم و چهارم را نشان می‌دهد. نمره موانع مربوط به ویژگی‌های دانشجویان، عوامل مدیریتی و سازمانی و منابع مالی و امکانات از دید دانشجویان سال چهارم به‌طور معنی‌داری بیشتر از میانگین دانشجویان سال دوم است. دانشجویان سال چهارم مدت زمان بیشتری در دانشکده بوده و با موانع برخورد بیشتری داشته و بیشتر به موانع موجود برای تبدیل شدن به دانشکده کارآفرینی پی برده‌اند. در حالی که دانشجویان سال دوم که به تازگی وارد رشته‌های تخصصی و به‌عبارت دیگر دانشکده کشاورزی شده‌اند، هنوز با موانع و محدودیت‌ها آشنایی ندارند.

جدول 7- مقایسه میانگین موانع کارآفرینی بین دانشجویان سال چهارم و دوم.

| موانع کارآفرینی | میانگین موانع بر اساس سال ورود | | سطح معنی‌داری |
|-------------------------|--------------------------------|-----------|---------------|
| | سال دوم | سال چهارم | |
| محتوای دروس | 22/7 | 25 | 0/06 |
| روش ارائه دروس | 13/8 | 14/8 | 0/2 |
| ویژگی‌های دانشجویان | 16/6 | 18/8 | *0/005 |
| عوامل مدیریتی و سازمانی | 19/5 | 21/7 | *0/03 |
| منابع مالی و امکانات | 23 | 26/30 | *0/006 |

همبستگی بین موانع کارآفرینی و نگرش دانشجویان نسبت به دانشکده کارآفرین: همان‌گونه که جدول 8 نشان می‌دهد نگرش دانشجویان با 4 دسته موانع ایجاد دانشکده کارآفرین ارتباط معنی‌داری

دارد. دانشجویانی که نگرش مثبت‌تری به ایجاد دانشکده کارآفرین دارند موانع موجود را بهتر ارزیابی کرده و از دید آن‌ها موانع موجود پنهان نمی‌ماند. در واقع دانشجویانی که به کارآفرینی نگرش مثبت‌تری دارند، به دنبال شناسایی موانع برای رفع آن‌ها و رسیدن به موفقیت هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در زمینه محتوای دروس ضعف‌هایی وجود دارد. به عقیده دانشجویان محتوای دروس با نیاز جامعه مطابقت ندارد، محتوا به روز نیست، مطالب آموزشی سیستماتیک نیست و محتوای دروس بیشتر توسط دانشجویان حفظ می‌شود و درک عمیقی از آن صورت نمی‌گیرد. امیری و مرادی (1387) نیز به نتیجه مشابهی دست یافته‌اند. ویژگی‌های دانشجویان از جمله موانع دیگری است که با نگرش دانشجویان ارتباط دارد. دانشجویانی که نگرش مثبت‌تری دارند بین افراد عادی و کارآفرین تمایز قائل شده و برای آنان ویژگی‌های خاصی در نظر می‌گیرند. از دید دانشجویانی که نگرش مثبت‌تری دارند عدم آگاهی، عدم آشنایی با محیط‌های کشاورزی و روستایی، نداشتن مهارت و تجربه، عدم انگیزه از عواملی است که مانع حرکت دانشجویان به سمت فعالیت‌های کارآفرینی می‌شود. عوامل مدیریتی و سازمانی نیز از چشم دانشجویان پنهان نمانده و این عوامل نگرش دانشجویان نسبت به دانشکده کارآفرین را متأثر می‌کند. منابع مالی و امکانات نیز با نگرش دانشجویان ارتباط داشته و دانشجویانی که نگرش مثبت‌تری دارند این موانع را بیشتر حس کرده و آن را از موانع کارآفرینی دانشگاهی می‌دانند بخصوص اینکه برای شروع یک فعالیت کارآفرینانه سرمایه و امکانات نیز در کنار ایده لازم است.

جدول 8- همبستگی بین موانع ایجاد دانشکده کارآفرینی و نگرش دانشجویان.

| موانع کارآفرینی | ضریب همبستگی | سطح معنی‌داری |
|-------------------------|--------------|---------------|
| محتوای دروس | 0/37 | 0/0001* |
| روش ارائه دروس | 0/17 | 0/09 |
| ویژگی‌های دانشجویان | 0/33 | 0/001* |
| عوامل مدیریتی و سازمانی | 0/40 | 0/0001* |
| منابع مالی و امکانات | 0/48 | 0/0001* |

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این مطالعه با هدف بررسی نگرش دانشجویان رشته‌های ترویج و آموزش کشاورزی و علوم باغبانی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز نسبت به ایجاد دانشکده کارآفرین انجام شده است. در این پژوهش عوامل مؤثر بر کارآفرینی کشاورزی در پنج دسته عوامل اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی، فنی و اجرایی و تعدیل‌گر دسته‌بندی شدند. این عوامل فرآیندهای کارآفرینی در حیطه کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. متأسفانه نتایج نشان داد سال‌های تحصیل در دانشکده کشاورزی نتوانسته نگرش دانشجویان نسبت به کارآفرینی و دانشکده کارآفرین را بهبود بخشد و تفاوتی بین نگرش دانشجویان سال دوم و چهارم نسبت به دانشکده کارآفرین وجود ندارد. میانگین نگرش دانشجویان رشته علوم باغبانی (به دلیل ارتباط بیشتر با کارهای عملی و کارآفرینان کشاورزی) بیشتر از دانشجویان رشته ترویج و آموزش کشاورزی است. دانشجویانی که در کارگاه‌های کارآفرینی شرکت کرده‌اند، نگرش مثبت تری دارند. موانع ایجاد دانشکده کارآفرین نیز در پنج دسته محتوای دروس، شیوه ارائه دروس، ویژگی دانشجویان، عوامل مدیریتی و سازمانی، منابع مالی و امکانات طبقه‌بندی شدند. دانشجویان رشته باغبانی معتقدند محتوای دروس با نیاز جامعه و کارآفرینی هماهنگی ندارد و موانع مدیریتی و سازمانی از موانع مهم در جهت ایجاد دانشکده‌های کارآفرین هستند. وجود این موانع و درک این موانع توسط دانشجویان با نگرش آنان نسبت به ایجاد دانشکده کارآفرین رابطه مثبت دارد و این نشانگر لزوم رفع این موانع در جهت بهبود نگرش دانشجویان به سمت ایجاد دانشکده‌های کارآفرین می‌باشد.

با توجه به یافته‌ها پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- آشنا ساختن دانشجویان با مفاهیم کارآفرینی و کسب و کارهای نو (جهت افزایش آگاهی و ترغیب آنان به فعالیت‌های کارآفرینی)
- اختصاص واحدهای عملی بیشتر در دروس دانشگاهی
- بازنگری در محتوای درسی دانشگاهی و تطابق بیشتر این دروس با نیازهای روز جامعه
- استفاده از روش‌های آموزشی مشارکتی که برانگیزاننده خلاقیت و ابتکار دانشجویان باشد مثل پروژه
- برگزاری کارگاه‌های کارآفرینی بیشتر و تشویق و ترغیب دانشجویان برای مشارکت در این کارگاه‌ها
- کاهش موانع اداری موجود در راه دانشجویان برای راه‌اندازی فعالیت‌های کارآفرینی دانشجویی

منابع

1. ابراهیم‌زاده، ن. 1387. ارائه الگوی مفهومی جهت تبدیل دانشگاه‌های کشور به دانشگاه کارآفرین. فصلنامه تولید علم (6): 15-23.
2. احمدی، م.، و شرفی، م. 1388. جایگاه آموزش کارآفرینی در نظام آموزش مهندسی مطالعه موردی در دانشجویان دوره کارشناسی رشته مهندسی برق دانشکده فنی دانشگاه تهران. کنفرانس آموزش مهندسی در 1404، تهران: 22-23 اردیبهشت ماه.
3. امیری، ع.ن.، و مرادی، ی. 1387. نگرش‌های کارآفرینانه دانشجویان و موانع آن. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی (49): 45-67.
4. اولادیان، م.، سیف‌نراقی، م.، نادری، ع.، و شریعتمداری، ع. 1389. بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانش‌آموختگان دانشگاه تهران و مدیران کارآفرینی شهر تهران به‌منظور فراهم کردن الگوی مناسب برنامه درسی دوره کارشناسی علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، 5 (2): 81-103.
5. پوررشیدی، ر.، و شجاعی فرح‌آبادی، ح. 1391. رسالت دانشگاه کارآفرین در توسعه اقتصادی، اجتماعی. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، مازندران: 23 آبان ماه.
6. رسایی، ل. 1392. بررسی ارتباط روحیه کارآفرینی با سبک یادگیری دانشجویان. تعالی (نشریه تخصصی مدیریت)، 3 (5): 23-29.
7. رضایی دولت‌آبادی، ح.، امیری، م.، قاسمی شوریجه، م.ح.، و قاسمی شوریجه، م. 1389. مبانی چالش‌های کارآفرینی در دانشگاه‌های ایران و راهکارهای آن. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، شیراز.
8. صفرزاده، ح.، احمدی شریف، م.، و کارگریان مروستی، غ.ر. 1388. بررسی عوامل مؤثر بر استقرار دانشگاه‌های کارآفرین. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، 4 (2): 137-151.
9. قاسمی، ج.، و اسدی، ع. 1389. تحلیل عاملی عوامل مؤثر در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان تحصیلات تکمیلی (مطالعه موردی: پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران). نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، 4 (1): 13-22.

10. قهرمانی، م.، رشید حاجی خواجه‌لو، ص.، و ابوچناری، ع. 1390. نقش رهبری تحولی در ارتقای دانشگاه به سازمان کارآفرین (مطالعه موردی: دانشگاه شهید بهشتی). توسعه کارآفرینی، 4 (14): 185-204.
11. کوثری، م.، و نوروززاده، ر. 1388. تبیین ویژگی‌های عناصر چهارگانه برنامه درسی مقطع کارشناسی با تأکید بر پرورش مهارت‌های کارآفرینی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، 54: 1-18.
12. مجیدی، د.، یاسبلاغی شراهی، ب.، و علی‌محمدی، م. 1392. تأثیر آموزش کارآفرینی بر نگرش و روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه خوارزمی. آموزش فنی و حرفه‌ای و اشتغال در ایران، جلد سوم، تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
13. محمدزاده سالطه، ح.، چمن‌گرد، ن.، و علیپور، ع.ر. 1392. بررسی نقش و تأثیر مؤسسات آموزش عالی در توسعه کارآفرینی و اشتغال. پیک مهارت، قابل دسترس در <http://www.peykemaharat.ir/home/vcon/236>
14. مقیمی، م. 1388. عوامل مؤثر بر کارآفرینی سازمانی در سازمان‌های بخش خدمات اجتماعی و فرهنگی دولتی ایران. فرهنگ مدیریت، 2 (7): 27-78.
15. منتشلو، ا.، یعقوبی فرانی، ا.، و حیدری، ف. 1392. بررسی روحیه کارآفرینی اعضای شرکت‌های تعاونی مشاغل خانگی فعال استان همدان. آموزش فنی و حرفه‌ای و اشتغال در ایران، جلد سوم، تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
16. منوری فرد، ف.ا.، موحد محمدی، ح.، و رضوانفر، ا. 1391. واکاوی اثر مؤلفه‌های برنامه درسی بر روحیه کارآفرینی دانشجویان. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، مازندران: 23 آبان ماه.
17. Adam, J., Josh, L., Scott, S. and Marie, T. 2007. Academic science and entrepreneurship Dual engines of growth. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 70(3): 107-115.
18. Anthony Llano, J. 2005. *The University Environment and Academic Entrepreneurship: A Behavioral Model for Measuring Environment Success*. Stevens Institute of Technology. Available from: www.cherry.gatech.edu/t2s2006/papers/llano-1057-T.pdf

19. Debachere, K. and Veugelers R. 2005. The role of academic technology transfer organizations in improving industry science links. *Research Policy*, 24: 321-342.
20. Etzkowitz, H. and Leydesdorff, L. 2000. The dynamics of innovation: from National systems and “Mode 2” to a Triple Helix of university industry government relations. *Research Policy*, 29: 109-123.
21. Oosterbeek, H., Praag, M. and Ijsselstein, A. 2009. The impact of entrepreneurship education on entrepreneurship skills and motivation. *European Economic Review*, 54(3): 442-454.
22. Rothaermel, F.T., Agung, S.D. and Jiang, L. 2007. University entrepreneurship: taxonomy of the literature, *Industrial and Corporate Change*, 16(4): 691-791.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 2(2), 2015
<http://jead.gau.ac.ir>

Attitudes of the Shiraz University`s students toward the Establishment of Entrepreneurial College

N. Monfared¹, *K. Rezaei Moghaddam² and Z. Abkhiz³

¹Associate Prof., of Agricultural and Natural Resources Research and Education Center in Bushehr, Agricultural Research, Agricultural Education and Extension, ²Associate Prof., Dept., of Agricultural Extension Education, Shiraz University, ³Graduates Student of Agricultural Extension and Education, Shiraz University

Received: 23/8/2015; Accepted: 24/10/2015

Abstract

In past decades, education and research were the only tasks of universities but today entrepreneurship is added as the third mission. Entrepreneurial university can be considered as the empowerment system of individuals that would be able to improve their creativity and innovativeness. According to the importance of entrepreneurship colleges, this study aimed to assess students' attitudes toward entrepreneurial university, as well as identify obstacles to the creation of the Department of entrepreneurship. All the students of Agricultural Extension and Education and Horticultural Science in college of Agriculture in Shiraz University in second and fourth years of their academic education were the population of this study. 96 students were selected using stratified random sampling. The data was collected by questionnaire which its face validity and reliability were confirmed by the experts and pilot study, respectively (Cronbach's alpha range from .92 to .70). SPSS 19 was used for data analyzing. Results showed the mean of Horticultural students` attitudes toward Entrepreneurial College is significantly higher than the average of this parameter among the students of Agricultural Extension and Education. Average attitude of the students who have attended two courses and more entrepreneurial workshop, significantly more than those who did not participate or just have participated a period. The Score of management and organizational barriers of Horticultural students are significantly more than the students of Agricultural Extension and Education. In the other words, Horticultural students believe that the management factors such as strict rules and regulations, administrative barriers and the conservatism are the main obstacles of the establishment of Entrepreneurial College. Findings revealed that the course contents are not appropriate. Based on the results, the content does not meet the needs of society.

Keywords: Entrepreneurship, Entrepreneurial College, Entrepreneurship Barriers, Academic Entrepreneurship

*Corresponding author: rezaei@shirazu.ac.ir